

گندم (شماره ۳)

نشریه فرهنگ اجتماعی

دارای مجوز رسمی از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه علامه طباطبائی
به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۶/۱۱



«ویژه اربعین حسینی (سلام الله علیه)»





در این شماره می خوانیم

- سخن سردبیر: اهمیت پرداخت مضاعف رسانه ای به اربعین در روزگار کرونایی
- تعزیه: قیام هنر ایران در هنر مندانه ترین قیام
- پاسخ به یک شبهه ی بنیادین؛ علم امامت و قیام امام حسین علیه السلام
- صبر درس بزرگ اخلاق اربعینی
- سیره اقتصادی امام حسین (ع) و نقش فساد اقتصادی خواص
- ارزش ها و پیام های اخلاقی و تربیتی عاشورا
- کلیپ های تولیدی کانون گندم برای محرم
- کافه کتاب گندم؛ معرفی هشت کتاب عاشورایی
- معرفی بازی کودکانه
- تحلیل و بررسی فیلم روز واقعه

❖ سخن سردبیر؛ اهمیت پرداخت مضاعف رسانه ای به اربعین در روزگار کرونایی

اربعین در دهه اخیر هویت اجتماعی متفاوتی ایجاد کرده است. جامعه زائران اربعینی با جامعه عراق و با هر نقطه دیگری که مرزبندی جغرافیایی دارد متفاوت است. نقطه اشتراک آنها نقطه اشتراکی است به نام حسین و کربلا. راهپیمایی اربعین به گردهمایی بزرگ شیعیان جهان تبدیل شده است، که به دلایل مختلف نظام رسانه‌ای مدرن غرب نمی‌خواهد آن را بازنمایی نماید.

درست است که افرادی از برخی فرق غیر شیعه و حتی برخی متدینان به ادیان دیگر هم در بین راهپیمایان دیده می‌شوند، اما غلبه راهپیمایان با شیعیان عراق و دیگر کشورهای اسلامی است و لذا می‌توان گفت در بازنمایی این پدیده دیگر فرق اسلامی فعالانه و مؤثر ایفای نقش نمی‌کنند. از این رو تنها خود شیعیان هستند که باید برای دیده شدن این پدیده اقدام مؤثری انجام دهند. توجه ویژه به بازنمایی رسانه‌ای و انتقال پیام معطوف به ظهور اربعین به دیگران، با شیوع بیماری کرونا و ایجاد محدودیت و ممنوعیت برای حضور زائران غیر عراقی در این راهپیمایی عظیم، اهمیت دوچندانی پیدا و پررنگ‌تر شدن فعالیت رسانه‌ای بویژه در فضای مجازی را طلب کرده است. به همین علت کانون فرهنگی هنری گندم هم بر خود فرض دانسته تا با اختصاص شماره‌ای از ماهنامه خود به اربعین، در حد بضاعت قلیل خود، به این موضوع مهم ادای دین نماید.

دکتر محسن حبیبی

مدیر کانون فرهنگی هنری گندم

تعزیه:

«قیام، نمر ایران در، نمر مندانه ترین قیام»

تاریخ پیدایش تعزیه به صورت دقیق مشخص نیست. برخی ریشه این نمایش آیینی را به ایران پیش از اسلام باز می گردانند و دیگرانی نیز به عزاداری مسیحیان در غم مصائب مسیح ع. اما جدا از شباهت های تعزیه با هر نوع عزاداری آیینی دیگر؛ به نظر می رسد تعزیه امروزین شکل تکامل یافته تر و پیچیده تر سوگواری های ساده ی شیعیان سده های نخستین برای شهدای دشت کربلاست.

از این رو به استناد برخی اسناد، پیدایش تعزیه را مشخصاً از ایران پس از اسلام و مستقیماً از ماجرای کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش می دانند. در دوره ی اخیر سوگواری برای شهیدان کربلا از سوی دوستان اهل بیت علیهم السلام در همه مناطق شیعه نشین جهان انجام می شود و در هر جایی هم رنگ و شکل فرهنگی خود را دارد.

تعزیه در آغاز فقط حاوی وقایع تعزیت آمیز بود، اما رفته رفته عناصر دیگری نیز وارد آن شدند. به طور کلی تعزیه را از لحاظ موضوع به سه دسته تقسیم می کنند: «واقع»، «پیش واقع» و «گوشه».

واقعها شامل: تعزیه های اصلی هستند که راجع به شهادت امام حسین (ع) و یارانش در صحرای کربلاست. در این تعزیه ها موضوع و اشخاص، مذهبی هستند.

پیش واقعها شامل: تعزیه های فرعی هستند که از نظر داستانی استقلال کاملی ندارند و در ارتباط با یک واقعه به نمایش گذاشته می شوند. همیشه یک پیش واقعه منجر به واقعه می شود. در این تعزیه ها موضوع و اشخاص الزاماً مذهبی نبوده اما در ارتباط با موضوع اصلی واقعه کربلا آورده می شوند. (مجلس عباس هندو)



گوشه شامل: شبیه‌هایی است که عناصر کمیک در آنها وجود دارد و از نظر داستانی هم مستقل هستند. اشخاص این شبیه، مذهبی و غیرمذهبی بوده و حتی از سایر ملل نیز اشخاصی در آن وارد شده است. شبیه مضحک از تحول همین گوشه‌ها به وجود آمده است. از نمونه گوشه‌ها عروسی رفتن فاطمه زهرا (س) را می‌توان نام برد.

زبان تعزیه: زبان آن شعر است و تحت تأثیر زبان عوامل است. این زبان آکنده از عوامل نمایشی بوده و با توده‌های تماشاگر خود به راحتی توانسته ارتباط برقرار کند

موسیقی تعزیه: موسیقی و آواز از اهمیت و اعتبار خاصی در تعزیه برخوردار است و نقش این دو در تعزیه تا جایی است که بسیار از اهل فن آن را اپرای تراژیک می‌دانند که در نوع خود بی‌نظیر است. هر نقشی در مایه خاصی آواز می‌خواند: نقش حضرت عباس (ع) در چهارگاه و نقش حرّ در عراق می‌خواند و در سوال و جواب‌ها که اساس گفتگو را در تعزیه تشکیل می‌دهند ریتم رعایت می‌شود. برای نمونه اگر نقش امام حسین (ع) شور بخواند، نقش حضرت عباس (ع) جواب را در مایه شور می‌دهد. آلات موسیقی در تعزیه شامل: نی، قره نی، طبل، دهل، کرنا و سنج و شیپور است.

صحنه آرای در تعزیه: استفاده از وسایل نمایش شرقی و نمادین بودن آنها و باورهای مذهبی تماشاگران ویژگی‌های خاصی به شیوه اجار و استفاده از اشیاء و وسایل و بازیگری می‌دهد.

مضمون تعزیه: مانند اکثر هنرهای دینی، رویارویی دو نیروی خوب و بد - اولیا و اشقیا - در بر گیرنده این واقعی است تکیه دولت به دستور ناصرالدین شاه و با نظارت معیرالممالک در ضلع شرقی کاخ گلستان و در مجاورت شمس‌العماره در سال ۱۲۹۰ هجری قمری ساخته شد. بنای ساختمان دایره‌ای شکل بود که سکویی در وسط به شعاع تقریبی نه متر و ارتفاع نود سانتی متر داشت و دور تا دور آن را ایوان‌هایی در سه ردیف فراگرفته بود. سقفی به شکل گنبد که برای جلوگیری از تابش آفتاب و ریزش باران آن را با چادر پوشانده بودند.

پاسخ به یک شبهه اساسی و بنیادین

در باب تمام اقدامات اولیاء و انبیاء الهی و مشکلات بوجود آمده برای آنها، پرسش بنیادین مهمی مطرح است؛ اینکه چرا با آنکه آنها بواسطه اتصال به منبع علم الهی، باز نسبت به آن موضوع خطیر با آن همه مصائب و مشکلات اقدام کرده‌اند؟

در باب قیام اباعبدالله الحسین علیه‌السلام هم یکی از پرسش‌هایی که ذهن هر پرسشگری را به خود مشغول می‌کند، این است که **چرا امام حسین علیه‌السلام با آنکه به شهادت خود و یارانش علم قطعی داشته، اقدام به این قیام کرده است؟ آیا این کار از مصادیق به هلاکت کردن خویش نیست؟ در حالی که خداوند متعال می‌فرماید: «و لا تُلقُوا بأیدیکم إلی التَّهْلُکةِ» (خود را با دست خود به هلاکت نیاندازید).**

در اینکه آیا امام به شهادت خویش علم داشته یا نه، دو نظریه مطرح است:

نظریه اول: به عقیده ابن خلدون و برخی دیگر از متفکران امام نمی‌دانست در این قیام به شهادت خواهد رسید.

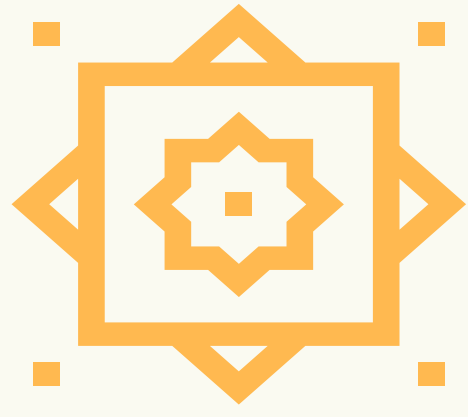
اما این نظریه نه تنها بطور بنیادین با اعتقادات شیعه ناهمخوان است، بلکه طبق آنچه از آیات قرآن و روایات مسلم اسلامی از علم انبیاء و اولیاء الهی برداشت می‌شود، پایه‌ای سست و ضعیف دارد. چه اینکه پیامبران و امامان، مظهر اسماء و صفات الهی هستند و ابن خلدون بی توجه به متن قطعی دین، علم این افراد را مانند دیگران اکتسابی و آموختنی فرض کرده است.

نظریه دوم: امام حسین علیه‌السلام از شهادت خود آگاه بوده است، چرا که مقام والای امامت جایگاهی است که به اذن الهی امام را دارای علم غیب می‌کند و برای صاحبان این مقام رفیع آگاهی از آینده امکان پذیر است؛ همانگونه که در آیات مبارکه ۲۶ و ۲۷ سوره جن به صراحت به امکان پذیر بودن علم غیب برای غیر خدا اشاره شده است. طالبان حقیقت برای تفصیل بیشتر در مورد این موضوع به تفسیر المیزان ۲۰ از صفحه ۵۳ تا ۵۹ مراجعه کنند.

طبق نظریه دوم شبهه مذکور وارد است.

این شبهه از طرف کسانی است که می‌گویند «زندگی، مطلوب مطلق در عرصه هستی است» و برای آنان مرگ معمولی و شهادت در راه دفاع از ارزش‌های مادی و معنوی یکسان است. از این رو معتقد هستند با وجود علم به کشته شدن در یک حادثه، اقدام به ورود در آن حادثه از دیدگاه عقل و شرع ممنوع است.





**اما این نگاه صحیح نیست ؛ چرا که:
اولاً؛**

چنین نگاهی به بیراهه رفتن در تفسیر زندگی است. این سخن زمانی درست است که منظور از زندگی خوردن و آشامیدن و اشباع غرایز باشد، در حالی که مفهوم حیات و زندگی در متن قرآن و متون قطعی دینی چیز دیگری است و آن حیات معقول و حیات طیبه است. یعنی حیات مستند به دلیل و برهان و حیاتی که از آن خدا و برای خداست. پس نه تنها آن زندگی حیوانی، مطلوب مطلق نیست، بلکه مزاحم حیات معقول هم محسوب می‌شود. برای کسی که زندگی را به معنای حیات معقول و طیبه‌ای می‌داند که از حکمت ازلی الهی سرچشمه می‌گیرد، زندگی ظاهری تنها وسیله‌ای مناسب برای وصول به آن حیات طیبه است که شخص با بصیرت در راه به دست آوردن آن، حاضر است صدها بار از آن زندگی طبیعی محض دست بردارد. همانگونه که این منش و احساس با عظمت در شب عاشورا، در یاران فداکار امام حسین علیه‌السلام کاملاً مشاهده شد.



ثانیاً؛

جهاد و شهادتی که موجب بقای دین و حفظ مسلمانان است، بزرگترین حرکت در راه خداست و از این رو به هلاکت انداختن خویش محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، هدایت بشر همچنان که علت محدثه و ایجاد کننده هدایت می‌خواهد، نیازمند علت مبقیه یعنی علتی که موجب بقای هدایت باشد، نیز هست. علت محدثه هدایت با بعثت انبیاء تحقق یافته و تحقق علت مبقیه هم به ولایت کبری امکان پذیر شده است و امام حسین علیه‌السلام یکی از اصلی‌ترین علت‌های مبقیه و به بیانی رمز بقای دعوت انبیاء است، که هم نبوت و هم ولایت به یمن وجود او باقی مانده است.



ثالثاً؛

علاوه بر این، همانگونه که امام حسین علیه السلام با علم غیب می دانست که کشته خواهد شد، همچنین با همین علم غیب می دانست که با شهادتش اسلام و مسلمین باقی خواهد ماند و در نتیجه بقای اسلام را بر حیات خویش ترجیح دادند و فرمودند: «موت فی عز خیر من حیاة فی ذل» (مرگ همراه با عزت بهتر از زندگی توأم با ذلت است) و نیز روایت دیگری نقل شده است که فرمودند: «انی لا اری الموت الا سعادة و الحیاة مع الظالمین الا برماً»

(به تحقیق مرگ در نظر من چیزی جز سعادت نیست و زندگی با ستمکاران را جز ننگ و خواری نمی بینم). پس هر چند در دین به حفظ همه نعمت‌ها و از جمله نعمت حیات سفارش و تأکید شده است، اما این موضوعی کاملاً نسبی است. یعنی اینکه نعمت‌ها و در رأس آنها زندگی و حیات دارای مراتبی است و باید در حفظ آنها این رتبه بندی کاملاً مورد لحاظ قرار بگیرد. هر چند زندگی افراد هم مهم است اما در مقایسه با اصل حیات طیبه، زندگی طبیعی و مادی ارزش چندانی نخواهد داشت و از این رو در آموزه‌های دینی معیار حیات واقعی و حقیقی، عزت و بقای اسلام و مسلمین است، نه زندگی شخصی افراد

صبر، درس بزرگ اخلاق از بعینی

« صبر پیشه کن که وعده خدا حق است »

صبر از خلقیات خداوند است، عاملی است که درون انسان را از اضطراب و تشویش، زبان او را از شکایت و جسم او را از رفتارهای نابه‌جا و غیرمعقول بازمی‌دارد.

خداوند متعال در روایتی زیبا صبر را از اخلاق خود شمرده و داوود پیامبر را توصیه به کسب آن می‌نماید:

« اوحی الله الی داوود (علیه السلام) تخلق باخلاقی و ان من اخلاقی الصبر؛ خداوند به داوود وحی نمود که متخلق به اخلاق من شو و به تحقیق که یکی از خلقیات من صبر است. » صبر امری معنوی است نه ظاهری و در پرتو صبر، سراسر وجود صابر آمیخته با مقاومت و شکست‌ناپذیری می‌گردد و آثار درخشانی خواهد داشت چنانکه پیروزی و موفقیت در هر امری بسته به میزان مقاومت روانی و صبر انسان است.

پیشرفت‌های بشر در زمینه‌های گوناگون، همگی مرهون سازگاری با شرایط سخت و ناگواری چون کم‌خوابی، کم کردن تفریح و کم کردن سرگرمی‌هایی است که نفس خواهان آنهاست اما ممکن است انسان را از حرکت سریع به سمت هدف خود بازدارد.

مشکلات و مصائب گاهی نه تنها فقط جنبه‌ی بازدارندگی نداشته بلکه با واداشتن انسان به تلاش و تکاپو و پشت سر گذاشتن آنها، زمینه‌ی پیروزی‌های بزرگ را فراهم می‌سازد. و گاهی هم بروز ناملايمات در زندگی بشر، وسیله‌ی آزمایش و امتحان اوست.

صبر در آیات:

لغت صبر و مشتقات آن به دفعات در قرآن آمده است. به عنوان نمونه آیه پایانی سوره مبارکه آل عمران، در بردارنده‌ی چهار برنامه برای رستگاری مؤمنان است که رأس این برنامه‌ها دستور به صبر است

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید (درمواجهه با مشکلات) صبر کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا پرهیزید؛ شاید رستگار شوید

دستورات چهارگانه که در این آیه آمده است همگی مطلق و بدون قید است



« إصبروا، صابروا، رابطوا و اتقوا. »

آیه بعد صابران را معرفی کرده می گوید «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ آن ها کسانی هستند که هر گاه مصیبتی به آن ها رسد می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم.

توجه به این واقعیت که همه از او هستیم و به سوی او باز می گردیم به ما اعلام می کند که این جا سرای جاویدان نیست زوال نعمت ها و کمبود مواهب و یا کثرت و وفور آن ها همه زودگذر است، و همه این ها وسیله‌ای است برای پیمودن مراحل تکامل. توجه به این دو اصل اساسی اثر عمیقی در ایجاد استقامت و صبر دارد.



صبر در روایات و احادیث

در روایات فراوانی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار (علیه السلام) صحبت از صبر و شکیبایی به میان آمده و با دقت و توجه در این احادیث در می‌یابیم که صبر دارای درجاتی است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ بِالصَّبْرِ مَعَ الْيَقِينِ فَافْعَلْ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُ خَيْرًا كَثِيرًا وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: اگر بتوانی که صبری همراه با یقین و باور داشته باشی چنین کن و اگر توان آن نداری باز هم، صبر کن زیرا؛ در صبر کردن بر اموری که ناخوشایندتوست خیر بسیاری وجود دارد، و بدان که نصرت و پیروزی همراه با صبر است و گشایش همراه با مشقت و سختی است.

پاداش صابران در قرآن

در قرآن می‌بینیم که خداوند توجه ویژه‌ای نسبت به صابران داشته و مرثده‌ها و بشارت‌های زیادی به آنها داده است.

۱. محبت. «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»
۲. نصرت. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»
۳. بهشت. «يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا»
۴. پاداش بی حساب. «إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»
۵. بشارت. «بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»

صبر در کربلا

صبر گسترده امام حسین علیه السلام بیانگر ایمان و صف ناپذیر آن حضرت است.

امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید: «هر جا حقی بر گردن تو لازم می‌افتد اگر آن را خوش نداشتی، بر ناخوشی، شکیبای باش و در هر چه که هوای نفس تو دوست دارد و تو را بدان می‌خواند نیز شکیبایی بورز.

صبر و شکیبایی امام حسین (علیه السلام) در هنگام شهادت

امام حسین (علیه السلام) در شکیبایی نمونه بود و در همه‌ی مراحل به شکیبایی سفارش می‌کرد. او به هنگام آخرین وداع با خاندانش، آنان را توصیه به صبر کرد و ضمن اندرز حکیمانه، آنان را از جزع و بی‌تابی در مقابل دشمنان نهی فرمود و از دختر کوچکش خواست تا پدر زنده است نگرید و قلب او را شعله‌ور نسازد.

آنگاه که جسمش با زخم‌های بی‌شمار بر ریگ‌های تفتیده نینوا افتاده است. قلب مبارکش از سویی با دیدن انبوه شهیدان بر خون تپیده و از دیگر سو، با نظاره بر خاندان محاصره شده‌اش سخت در تب و تاب است. در همان شرایط از یک طرف فریاد دادخواهی خاندان را می‌شنود و از طرف دیگر صدای شادمانی و شماتت دشمنان را. ولی با همه این پیشامدهای سهمگین و مصایب بزرگ و طاقت‌فرسا چون کوهی ثابت و استوار بر موضع بر حق و قهرمانانه‌اش ایستاده است، نه آهی می‌کشد، نه دریغی می‌دارد و نه یک قطره اشک ضعف در برابر دشمن می‌ریزد، تنها زیر لب زمزمه دارد که:

«صبراً علی قضاءک لا معبود سواک، یا غیاث المستغیثین؛ بار خدایا! من در برابر حکم تو شکیبایم! جز تو معبودی نیست، ای فریادرس دادخواهان.»

صبر حضرت زینب (سلام الله علیها)

کسی که قهرمان همه جانبه «صبر و بردباری» در حماسه‌ی عاشورا است همان زینب کبری (سلام الله علیها) است.

آن حضرت به جز از مصائبی که در فراق جد، پدر و مادر و برادر خود متحمل شد، تنها در واقعه عاشورا، شهادت و به خون غلتیدن بیش از بیست نفر از نزدیکان خود را به چشم دید. به حق می‌توان او را «ام المصائب» نامید، چرا که زینب (سلام الله علیها) مادر سه شهید، خواهر هشت شهید، عمه نه شهید و خاله سه شهید و خواهر دینی و عاطفی همه شهیدان کربلا به حساب می‌آید.

از سوی دیگر او سرپرست کاروان آزادگان از کربلا تا کوفه و شام بود و ایراد خطبه‌ها در آن شهرها و مبارزه سر سخت و بی‌امان با یزیدیان و ادای وظیفه سنگین پیام‌رسانی خون شهیدان و... بر مصیبت‌های ایشان می‌افزود.

اما با این همه حضرت زینب (سلام الله علیها)، با تحمل و صبر تمام این بار را به دوش کشید و به مقصد واقعی آن رسانید. چنانکه امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: با همه مصیبت و مشقتی که بر عمه‌ام وارد شد، نماز شبش ترک نشد؛ و حتی نقل شده که امام حسین (علیه السلام) در آخرین وداع به خواهرش فرمود: «یا أُختاه! لا تَسینِی فی نافله اللیل؛ ای خواهر! برادرت حسین (علیه السلام) را در نماز شب فراموش نکن.»

این درخواست امام (علیه السلام) از خواهرش زینب صرف نظر از این که مقام بسیار والا و جایگاه معنوی و عرفانی فوق‌العاده‌ی حضرت زینب را گوشزد می‌کند، بیانگر پیش‌بینی آن امام از صبر و بردباری حیرت‌انگیز حضرت زینب در صحنه قربانی دادن‌ها و قبول نیابت خاص از سوی امام معصوم (علیه السلام) و ایراد خطبه‌های روشنگر در جمع دشمن و توجه خاص به انجام عبادت‌های مستحب و نمازهای نافله و... در این ایام دشوار بیانگر شخصیت معنوی و عرفانی حضرت زینب (سلام الله علیها) است که برای ارائه‌ی الگوی صبر و بردباری از او باید نام برد.



نتیجه گیری

آنچه از آیات و روایات مذکور به دست می آید این است که انسان در تمام لحظات و مراحل زندگی خود چه امور شخصی، چه اجتماعی، چه معنوی، در جنگ و جهاد، در ادب و اخلاق و در مقابل گناه و طاعت، فقر و غنا بیماری و سلامت، مصایب و خوشی ها و ... همه و همه نیازمند صبر و شکیبایی است که اگر انسان در مقابل آن ها صبر کند می تواند پیروز شود و هم در دنیا به موفقیت هایی دست یابد و هم در آخرت مژده و بشارت برای اوست و بهشت جاویدان از آن او خواهد بود، آن گونه که امام حسین (علیه السلام) به خاطر صبر و بردباری که در راه طاعت و اجرای امر و فرمان ها خداوند داشت هم در دنیا نام و یاد و راهش جاودانه ماند هم در آخرت به بالاترین مقام و جایگاه بهشتی نزد خداوند متعال رسید.

سیره اقتصادی امام حسین (ع) و نقش فساد اقتصادی خواص

حجت الاسلام والمسلمین حسین مصطفوی زاده، کارشناس مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات شرعی، در گفت و گو با ایکن، درباره سیره اقتصادی امام حسین (علیه السلام) و نقش فساد اقتصادی خواص در جبهه گیری علیه ایشان اظهار کرد: در مورد سیره حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) توجه به واقعه عاشورا از اهمیتی مضاعف برخوردار است. اگر این واقعه را به خوبی مورد تحلیل قرار دهیم از زوایای مختلفی نکات مورد نیاز برای زندگی امروز جامعه بشری را کشف می کنیم. یکی از نکات بسیار مهم در جهان امروز توجه به اموری است که در جامعه اسلامی رخ می دهد. در جریان قیام امام حسین (علیه السلام)، طبق آنچه که در تاریخ و روایات بیان شده امام می توانستند همانند بسیاری از خواص نسبت به آنچه در جامعه اتفاق می افتد؛ یعنی روی کار آمدن یزید بن معاویه به عنوان یک شخص فاسد و فاسق که ملاحظه ای نسبت به امور مسلمانان ندارد بی تفاوت باشند و همانند برخی از خواص با خلافت وی کنار بیایند اما ایشان در راستای حفظ اسلام نسبت به این موضوع سکوت اختیار نکردند.



وی ادامه داد: اتفاقی که به واسطه خلافت یزید رخ می‌داد این بود که جامعه اسلامی در یک روند پرشتاب از منظر اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به سوی سقوط پیش می‌رفت و نزدیک بود جامعه اسلامی کاملاً به سمت کفر و شرک سوق پیدا کند، لذا حضرت امام حسین (علیه السلام) برخلاف دیگر خواص که زندگی و رفاه شخصی را انتخاب کردند برای اینکه جامعه اسلامی و دین مبین اسلام را از مهلکه نابودی نجات دهند بر خود و خانواده سخت گرفتند و ایثار بزرگی در راه اسلام انجام دادند.

این کارشناس مسائل دینی درباره اهمیت آزاداندیشی در سیره حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) یادآور شد: وقتی سبک و سیره زندگی امام حسین (علیه السلام) را بررسی می‌کنیم به خوبی به عزم امام برای نجات جامعه اسلامی از یک طرف و از سوی دیگر درس آزاداندیشی و توجه به جامعه اسلامی در ابعاد مختلف پی می‌بریم. در زمینه آزاداندیشی در سیره حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) مجموع گفتارها و سخنانی که از ایشان در مسیر مدینه تا کربلا نقل شده شاهی بر این موضوع می‌باشد.

فاصله عجیب طبقاتی در دوران حکومت بنی امیه

حجت الاسلام مصطفوی زاده با اشاره به ریشه‌های اقتصادی قیام امام حسین (علیه السلام) تأکید کرد: اگر حکومت امویان را از دوره معاویه که حاکمیت را به دست گرفت مطالعه کنیم متوجه می‌شویم که فاصله طبقاتی عجیبی در جامعه ایجاد و بسیاری از اشراف و سران قبایل به واسطه نزدیکی به حکومت صاحب امتیازات اقتصادی ویژه‌ای شده بودند لذا این افراد در مقابل ظلم و ستم بنی امیه سکوت می‌کردند. از سوی دیگر در مواجهه‌ای که امام حسین (علیه السلام) با این اشراف در جریان قیام داشتند به خوبی دیده شد که چقدر نسبت به مقابله با ظلم و فساد حاکمان وقت بی‌تفاوت هستند. وی درباره اهمیت شفافیت فعالیت‌های اقتصادی اظهار کرد: حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) این هشدارها را به این افراد می‌دهند که آنچه باعث شده نسبت به حکومت ظالم و فاسد اموی و خطر بزرگی که اسلام را تهدید می‌کند قد علم نکنید تعلقات دنیوی شما و به بیان بهتر پر شدن شکم‌های شما از مال حرام است. این مسئله هشدار برای جامعه امروز ما نیز هست که هرچقدر توجه به اینکه مال حلال برای انسان کسب شود بیشتر باشد و منبع امور اقتصادی به میزان بیشتر روشن و شفاف باشد و به ویژه خواص از منظر اقتصادی سالم باشند در مواقعی که نیاز به ابراز حقایق هست انسان به شکل آزادانه‌تری می‌تواند اقدام و نظرات خود را ابراز کند.

کسب مال نامشروع؛ علت رویارویی عمر سعد با امام حسین (علیه السلام)

کارشناس مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات شرعی ادامه داد: کسب مال از طریق نامشروع مهم‌ترین علتی بود که خواص را در مقابل پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و بعداً امام حسین (علیه السلام) قرار داد. نمونه بارز این موضوع، عمر سعد است که با وجود اینکه امام حسین (علیه السلام) را می‌شناخت و به بزرگی ایشان اشراف داشت وقتی برای جنگ با حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به وی پیشنهاد حکومت ری را دادند جنگ با امام حسین را پذیرفت و حتی با وجود صحبت‌هایی که امام با وی داشتند حاضر نشد وعده دشمن را کنار بگذارد و در مقابل امام ایستاد.

حجت الاسلام مصطفوی زاده در پایان اظهار کرد: اقداماتی که برخی خواص در نتیجه تعلقات دنیوی و برای کسب منافع اقتصادی در مقابل امام حسین (علیه السلام) انجام دادند هشدار جدی است که هرکسی به طمع مال دنیا اقدام کرد ممکن است روزی در مقابل امام معصوم بایستد و حق را ناحق کند و دیگر جایی برای پیشمانی وی وجود نداشته باشد.

ارزش‌ها و پیام‌های اخلاقی و تربیتی عاشورا

دین دارای عناصر سه گانه‌ای با عناوین «اعتقادات»، «احکام» و «اخلاق» است و اخلاق جزو استوانه‌های اصلی اسلام محسوب می‌شود و جهت الهی بخشیدن به صفات و رفتار انسان‌ها و همچنین از اهداف عمده بعثت انبیاست. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» نیز فرمود: «انی بُعْتُ لِاتِمِّ مَکَارِمِ الْاِخْلَاقِ»؛ از این رو کاشتن بذر کمالات اخلاقی در نهاد انسان‌ها، بخش مهمی از رسالت پیامبر و امامان را تشکیل می‌دهد و گفتار و رفتار آنان شایسته‌ترین مظهر خصلت‌های انسانی و خداپسندانه است.

حادثه کربلا و خلع و خوئی که از حماسه سازان عاشورا به ثبت رسیده است، منبع ارزشمندی برای آموزش اخلاق و الگوگیری در زمینه خودسازی، تربیت دینی و کرامت انسانی است که در ادامه به برخی از این پندهای اخلاقی اشاره می‌شود.



۱. آزادگی:



آزادی در مقابل بردگی، اصطلاحی حقوقی و اجتماعی است. اما «آزادگی» برتر از آزادی و نوع رهایی انسان از قید و بندهای ذلت آور و حقارت بار است. آزادگی آن است که انسان کرامت و شرافت خویش را بشناسد و تن به پستی و اسارت دنیا و زیر پا نهادن ارزش های انسانی ندهد. در جریان بیعت گرفتن از امام به نفع یزید، پاسخ انسان ساز امام این بود که «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بِيَدِي أَعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَقْرُّ أَقْرَارَ الْعَبِيدِ»؛ «نه به خدا سوگند؛ نه دست ذلت به آنان می دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت آنان می!»

فرهنگ آزادگی در یاران امام و شهدای کربلا نیز جلوه نمایی می کند و هر کدام به نحوی انتخاب شهادت در راه خدا را بر ذلت پذیری، با سرودن اشعار و بیان جمله ها اعلان کرده اند.

آزادی خواهان و آزادگان جهان با «درس آموزی» از نهضت سرخ عاشورا آن چنان تربیت می شوند که در موقعیت حساس، فداکارانه جان می دهند تا به سعادت شهادت برسند و جامعه خود را آزاد کنند. در نهضت های اسلامی شاهد این چنین آزادی خواهان و آزادگان بوده و هستیم.

۲. تکریم انسان:

در مکتب های غیر عاشورایی برای رسیدن به خواسته ها از انسان ها استفاده ابزاری می شود؛ لکن در مکتب عاشورا و اندیشه عاشوراییان، مؤمن کرامت و ارزش دارد. انسان ها به لحاظ ایمان شان مورد احترامند، ملاک هم تقوا، ایمان و تعهد است نه رنگ، زبان، قبیله و کشور؛ از این رو امام حسین «علیه السلام» در روز عاشورا خود را بر بالین یکایک یاران شهیدش رساند و سر مبارک آنان را به دامن گرفت و بین آنان تفاوت قائل نشد. هم بر بالین علی اکبر «علیه السلام» حاضر شد و هم بر بالین غلام خویش جَوْن. این گونه رفتارهای خداپسندانه، نمونه ای از تکریم، عزت و شخصیت دادن به یاران وفادار و پاسداران حریم دین است.

تکریم و عزت دادن به افراد با ایمان، پیام تربیتی و اخلاقی عاشورا است. جامعه ای که وارث فرهنگ جهاد و شهادت است، باید برای چنین انسان های فداکار؛ جانبازان و خانواده های شهدا ارزش بزرگ قائل شود تا انگیزه جان نثاری الهی، همیشه جذّاب و دوست داشتنی و دارای پیرامون باقی بماند.



داشتن تکیه گاهی قدرتمند و استوار در شدايد و حوادث، عامل ثبات قدم و نهراسیدن از دشمنان و مشکلات است. توکل، تکیه داشتن بر نیروی الهی و نصرت اوست. قرآن کریم دستور می دهد که مؤمنان تنها به خدا تکیه کنند. امام حسین در آغاز حرکت خویش از مدینه، تنها با توکل به خدا این راه را برگزید و حتی توکلش بر یارانش هم نبود؛ از این رو از آنان نیز خواست هر که بخواهد، می تواند برگردد. با این توکل بود که هیچ رخدادی در عزم او خلل وارد نمی کرد.

در روز عاشورا با شروع حمله دشمن، حضرت در نیایشی به درگاه خدا، این اتکال و اعتماد به پروردگار را چنین بیان کرد: «انی توکلت علی الله ربی و ربکم»؛ «بر خدایی که پروردگار من و شماست توکل می کنم».

این ویژگی برجسته در لحظات آخر زندگی حضرت نیز همراه او بود. هنگامی که نیزه خورد و زخمی بر زمین افتاد، در مناجات عارفانه با معشوق خویش از این توکل بر ذات قادر متعال دم می زد: «أَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفًا وَ اَتُوکُلُ عَلَیْكَ کَافِیًا»

امام راحل با الهام گیری از پیام های عاشورا، خود نمادی از این توکل خالصانه به خدا، در تمام سختی ها و پیروزی ها بود که می فرمود: «اتکا به خدا بکنید. اگر ما، یک روز اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم، یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت.»

ایشان در جای دیگر می فرماید: «ملت مسلمان و بزرگ ایران با این پیروزی بزرگ نشان دادند که با اتکال به خدای تعالی و صبر و پایداری می توان بر بزرگ ترین قدرت های شیطانی پیروز شد.»

نیز در مورد ملت مسلمان افغانستان می فرماید:

«و افغانستان هجوم ناجوانمردانه شوروی... را با قدرت ایمان و اتکال به خدای بزرگ و اعتماد به خویش در هم کوبید.

بدون شک توکل و اتکال به آفریننده یکتا آن هم در صحنه رزم و مبارزه علیه دشمن که مجهز به انواع امکانات نظامی است نقش اصلی را در پیروزی انقلاب های ملت های مسلمان دارد. پیام تربیتی عاشورا نشان دادن نقش حیاتی و قدرت ساز «توکل» در برابر تمام سختی ها زمینه ساز پیروزی هاست.

۴. ایثار:

ایثار، مقدم داشتن دیگری بر خود است؛ چه در مسائل مالی و چه در موضوع جان، این صفت یکی از خصلت های ارزشمند اخلاقی است که در قرآن کریم و روایات، مورد ستایش فراوان است و از وارستگی انسان از «خودخواهی» سرچشمه می گیرد. قرآن کریم در آیه شریف: «و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة» از مؤمنانی یاد می کند که با این که خودشان نیازمندند، دیگران را بر خویشان مقدم می دارند.

گذشتن از خواسته های خود به خاطر دیگری و در راه دیگری «ایثار» است. اوج ایثار، ایثار خون و جان است. در صحنه عاشورا، نخستین ایثارگر، سید الشهداء «علیه السلام» بود که حاضر شد فدای دین خدا گردد و رضای او را بر همه چیز برگزید و از مردم نیز خواست کسانی که حاضرند خون خود را در این راه نثار کنند و با او همسفر کربلا شوند.

اصحاب آن حضرت نیز، هر کدام ایثارگرانه جان فدای امام خویش کردند. در طول حوادث کربلا، صحنه های زیبایی از ایثارگری دیده می شود.

از جمله، وقتی امام حسین «علیه السلام» به فرزندان مسلم فرمود: شهادت مسلم برای شما بس است، شما صحنه را ترک کنید، یک صدا گفتند: به خدا سوگند چنین نخواهیم کرد. جان و مال و خانواده و هستی خود را فدای تو می کنیم و در رکابت تا شهادت می جنگیم.

جلوه دیگری از ایثار در کربلا ایثارگری سعید بن عبدالله در روز عاشورا است که هنگام اقامه نماز امام، خود را سپر تیرهایی ساخت که از سوی دشمن می آمد. وقتی نماز امام به پایان رسید، او سیزده تیر بر بدن داشت و بر اثر همین زخم ها به زمین افتاد و شهید شد.

پیام عاشورا ارائه الگوهای زنده از جلوه گری ایثار است و کسی که تربیت یافته مکتب عاشورا باشد، او برای خدا از جان، مال و فرزندان گذشته، شهادت را انتخاب می کند.



۵. جهاد با نفس:

برتر و دشوارتر از جهاد با دشمن بیرونی، مبارزه با تمنیات درونی و کنترل هوای نفس، شهوت، دنیا دوستی و فدا کردن خواسته های خویش در راه «خواستۀ خداست».

این خود ساختگی، زیر بنای جهاد با دشمن بیرونی است و بدون آن، این هم بی ثمر یا بی ثواب است. در صحنه عاشورا کسانی حضور داشتند که اهل جهاد با نفس بودند و هیچ هوا و هوس در انگیزه آنان دخیل نبود. از همین رو بر جاذبه های مال، مقام، شهوت، عافیت طلبی و... پیروز شدند.

از باب نمونه، عمرو بن قرظۀ انصاری، از شهدای کربلا، در جبهه امام حسین «علیه السلام» و برادرش «علی بن قرظۀ» در جبهه عمر سعد بود. بدون شک خودساختگی او سبب شد که هرگز محبت برادرش باعث سستی در حمایت از امام نشود و دلیرانه در صف یاران امام، تا مرز شهادت ایستادگی و مبارزه کند.

نافع بن هلال، شهیدی دیگر از عاشوراییان بود. نامزد داشت و هنوز عروسی نکرده بود. در کربلا هنگامی که می خواست برای نبرد به میدان رود، همسرش دست به دامان او شد و گریست. این صحنه کافی بود که هر جوانی را متزلزل، و انگیزه جهاد را از او سلب کند. با آن که امام حین «علیه السلام» نیز از او خواست که شادمانی همسرش را بر میدان رفتن ترجیح دهد، لکن او بر این محبت بشری غلبه یافت و گفت: ای پسر پیامبر! اگر امروز تو را یاری نکنم، فردا جواب پیامبر را چه بدهم؟ آن گاه به میدان رفت و جنگید تا شهید شد.

عباس بن علی «علیه السلام» روز عاشورا، وقتی تشنه لب وارد شریعه فرات شد، دست به زیر آب برد، اما با یادآوری تشنگی امام و اهل بیت، آب را بر روی آب ریخت و نوشید و تشنه بیرون آمد.

این نمونه ها هر کدام جلوه ای از پیروزی عاشورائیان را در میدان «جهاد با نفس» نشان می دهد. یکی علاقه به برادر و دیگری علاقه به همسر را در پای عشق به امام خود، ذبح می کند، و دیگری تشنگی خود را در مقابل عطش امام، نادیده می گیرد ...

پیام تربیتی عاشورا این است که اشخاصی قدم در میدان مبارزه با ستم بگذارند که نیت های شان خالص باشد؛ میل به قدرت، شهرت طلبی و محبت به دنیا را در وجود خود از بین برده باشند تا بتوانند در میدان مبارزه، ثبات قدم و استقامت داشته باشند؛ و گرنه خوف رها کردن مبارزه و هدف و خطر افتادن در دام نفس اماره باقی است.

امام امت می فرماید: «باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید، خود ساختن به این [است] که تبعیت از احکام خدا کنید».

نیز می فرماید: «تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی توانید «جهاد فی سبیل الله» و دفاع از «حریم الله» نمایید.»



۶. صبر و استقامت:



برای مقابله با فشارهای درونی و بیرونی و غلبه بر مشکلات در راه رسیدن به هدف، پایداری و استقامت لازم است. بدون صبر، در هیچ کاری نمی توان به نتیجه مطلوب رسید. برای این که مصیبت ها و دشواری های راه، انسان را از پای در نیاورد، باید صبور بود. این دعوت دین در همه مراحل است و در عاشورا نیز با این جلوه عظیم روحی رو به رو هستیم و آنچه حماسه کربلا را به اوج ماندگاری و تأثیرگذاری و فتح معنوی می رساند، روحیه مقاومت امام حسین «علیه السلام» و یاران و همراهان او بود.

امام شهیدان، از آغاز، نیروهایی را به همراهی طلبید که مقاوم باشند. در یکی از منزلگاه های میان راه، فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَيَّ حَدِّ السَّيْفِ وَ طَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَ الْإِلا فْلْيَنْصَرِفْ عَنَّا»؛ «ای مردم! هر کدام از شما که تحمل تیزی شمشیر و زخم و ضربت نیزه ها را دارد همراه ما بماند و الا باز گردد.»

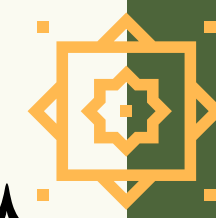
سخت ترین ضربه های روحی و مصیبت شهادت فرزندان و یاران، بر امام حسین «علیه السلام» وارد شد، لکن در همه آن ها خود را نباخت و مقاومت و ایستادگی کرد. هنگام خروج از مکه در خطبه ای با اشاره به حوادث آینده و پیشگویی شهادت خویش، فرمود: «نَصْبِرُ عَلَيَّ بَلَاءِهِ وَ يُؤَقِّينَا أُجُورَ الصَّابِرِينَ»؛ «ما، به رضای خدا رضاییم، بر بلای او صبر می کنیم، او نیز پاداش صابران را به ما می دهد.» با توجه به این که صحنه کارزار، همراه با زخم و ضربه و مرگ و درگیری و اسارت و صدها خوف و خطر است، امام حسین «علیه السلام» شرط همراهی را صبر دانست تا یاران صبورش تا نهایت کار با او بمانند.

در میان بازماندگان شهداء عبدالله بن جعفر - همسر حضرت زینب «علیها السلام» - که در مدینه مانده بود، دو فرزندش در کربلا در رکاب سالار شهیدان، شهید شدند. برخی به او زخم زبان می زدند، اما او با ایمان و صبر والا، داغ دو جوان را تحمل می کرد و می گفت: آنچه شهادت این دو فرزند را بر من آسان می سازد آن است که آن دو، در کنار برادرم و پسر عمویم حسین بن علی «علیه السلام» کشته شدند، در حالی که نسبت به او از جان گذشتگی نشان دادند و در کنار او صبر و مقاومت کردند.

صبر و پایداری شهدای کربلا و بازماندگان آنان به عنوان یک «مقام» و خصلت برجسته و ارزشمند به ثبت رسیده است و زیارت نامه های آن شهدا گویای روشن آن است. در نهضت های اسلامی ایران، افغانستان، لبنان و... اگر پایداری مردم در مبارزه و تحمل دشواری ها و شهادت ها نبود، و اگر رزمندگان اسلام در جبهه ها، آن همه تلفات و شداید را تحمل نمی کردند، نهضت های اسلامی به پیروزی نمی رسید.

امام امت در مورد مقاومت مجاهدین افغانستان می فرماید: «[برای] این افغانستان، دست شوروی هر روز فاجعه درست می کند، البته ملت افغانستان هم همچو در مقابلش ایستاده اند که شاید او را پشیمان کرده باشند.»

بدون شک، حادثه کربلا آموزگار مقاومت بود و آثار تربیتی آن در جهان اسلام و به ویژه تشیع در مبارزات حق طلبانه جلوه گری می نماید. مقاومت شهدای کربلا شهادت و سختی های جنگ را برای رزمندگان و مجاهدان اسلام قابل تحمل و آسان کرده است، چنان که خانواده های شهدا نیز از صبر زینب کبری صبوری آموخته اند و پدران، مادران و همسران، داغ جوانان خویش را با الهام از واقعه عاشورا تحمل کرده و می کنند.



محبت خداوند موجب می شود همه گام ها در جهت رضای دوست برداشته شود و انسان در ادای تکلیف تزلزل و ترس به خود راه ندهد و دوست داشتن مردم نیز باعث اعتنای به آنان و موجب حرکت برای رفع مشکلات آن ها می شود.

این دو ویژگی در سالار شهیدان و یاران شهیدش درخشش خاصی دارد. فرازهایی از مناجات وی در عصر روز عرفه در صحرای عرفات با خدای خویش، نشان دهنده محبت او به خداوند متعال است.

در روز عاشورا هر اندازه عقربه های ساعت به ظهر نزدیک می شد و بحرانی ترین لحظات نزدیک تر می گردید، آن عاشق دلباخته با سپری شدن لحظه های فراق و نزدیک شدن وعده وصل، مصمم تر و چهره اش شکفته تر می شد و وجد و شور خاصی در امام «علیه السلام» مشاهده می گردید. همین حالت عشق و علاقه ملاقات با معبود در یاران شهیدش نیز مشاهده می شد.

در مورد محبت و علاقه حضرت به مردم، همین بس که روزی در حال عبور، مساکینی را دید که دور هم جمع شده و مشغول خوردن بودند. امام را که دیدند به وی سلام کرده، به حضرت تعارف کردند. امام متواضعانه از اسب پیاده شد، دعوت آنان را پذیرفت و در کنارشان نشست و آنان را مورد لطف و محبت ویژه خویش قرار داد و فرمود: اگر نان های شما از صدقه نمی بود، من نیز با شما همسفره می شدم و از غذای شما می خوردم؛ لکن ما، صدقه نمی خوریم. شما برخیزید و با من به منزل بیایید و از سفره ما استفاده کنید تا من هم با شما همسفره و هم غذا شوم، و چنین کردند.

امام «علیه السلام» با این رفتار خویش هم به نیازمندان شخصیت می داد و هم به وظیفه اخلاقی خود عمل می کرد!

مکتبی بودن یک مسلمان را از این جا می توان شناخت که در همه ابعاد زندگی و کارهای فردی و اجتماعی، نسبت به آن چه «وظیفه دینی» است، متعبد و عامل باشد. تکلیف در شرایط مختلف فرق می کند. عمل به تکلیف ممکن است مطابق خواسته قلبی انسان باشد یا مخالف؛ مورد پسند مردم باشد یا نه. مسلمان چون در برابر خداوند تعهد سپرده است، عملکرد او نیز باید طبق خواسته او باشد و «عمل به تکلیف» را فدای هیچ چیزی نکند

فرهنگ «عمل به تکلیف» وقتی در جامعه و میان افراد حاکم باشد، همواره احساس پیروزی می کنند. به تعبیر قرآن کریم به «أَحَدَى الْحُسَيْنِ» می رسند و در مبارزات هم چه کشته شوند و چه به پیروزی نظامی، سیاسی و... برسند، هر دو صورت برای آنان خوب است.

امامان معصوم «علیهم السلام»، در شرایط مختلف اجتماعی مطابق تکلیف عمل می کردند. قضیه عاشورا نیز یکی از جلوه های عمل به وظیفه بود. شرایط و شناخت زمینه ها اقتضای چنین تکلیفی را داشت، لذا امام حسین «علیه السلام» فرموده است: «أَرْجُو أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مَا أَرَادَ اللَّهُ بِنَا، قُتِلْنَا أَمْ ظَفَرْنَا؟» «امیدواریم آنچه خدا برای ما اراده فرموده است، خیر باشد، چه کشته شویم و چه پیروز گردیم.»

امام امت بر اساس همین فرهنگ می فرمود: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه ایم، نه مأمور نتیجه.» پیام اخلاقی و تربیتی عاشورا برای همه، به ویژه آنان که موقعیت ویژه و وظیفه بیش تر دارند و برای دیگران الگو هستند، «شناخت تکلیف» و «عمل به تکلیف» است. نقش شناخت تکلیف و عمل به آن در سرنوشت جوامع، بسیار با اهمیت و حیاتی است. در زمان سالار شهیدان «علیه السلام» چنانچه همه پیروان حق وظیفه خویش را می شناختند و مانند شهدای کربلا با جانبازی و حمایت از امام خویش به وظیفه عمل می کردند، مسیر تاریخ به گونه دیگری رقم می خورد و سرنوشت اسلام و مسلمانان به گونه دیگری می شد.

امروز نیز باید جنبه های مختلف تکلیف را شناخت و نسبت به انجام آن متعهد بود و پیروزی را در انجام وظیفه دانست. اگر چنین اندیشه و تفکری در جامعه تحقق پیدا کند، آثار و نتایج آن آرامش روحی و امنیت اجتماعی خواهد بود.

دوستان گرامی شما میتوانید در سایت گندم gandomteam.ir

یا [@gandom_team](https://www.instagram.com/gandom_team) مهمان ما باشید با تماشای

1. کلیپ ویدئویی " **مروری بر زیارت عاشورا، با نگاهی بر خطبه منا** " نگاهی به دیروز و امروز تاریخ.
صدا و متن: مجید متولی تنظیم آهنگ: بهنام شجاعی هماهنگی: یاسمن علی آباد
موشن گرافیک: معصومه السادات معین السادات
2. کلیپ ویدئویی " **کلیپ ویدیوئی هر خانه یک حسینیه** "
کلیپی جذاب از مشارکت خردسالان در سیاه پوش کردن منزل و عزاداری سیدالشهدا، ساخته خانم زهرا رضیان، از اعضاء فعال گروه کودک گندم
3. فایل های ویدئویی " **شرح خطبه منای امام حسین علیه السلام** "
بسیار جذاب و قابل تأمل؛ پیرامون "وظایف و نقش خواص"
سخنران: روح الله مهری، دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی
4. ویدئو کلیپ " **قطعه سرخ** "
کاری زیبا از سرکار خانم نگین سعیدی، جزء نفرات برگزیده مسابقه صوتی کتاب وقتی که حج کامل شد.

کافه کتاب "گندم"

شما عزیزان میتوانید برای دریافت فایل کتاب های معرفی شده ، به
آدرس سایت Gandomteam.ir مراجعه فرمایید.



نام کتاب: نامیرا
نویسنده: صادق کریمیا
انتشارات: کتاب نیستان
تعداد صفحه: ۳۳۶
تاریخ نشر: ۱۳۹۴



نامیرا داستانی شخصیت محور است؛ رمانی با خرده روایت هایی از تغییر روش، هدف، آرزو و عاقبت آدم ها. این روزگار است که آدم ها را در محک انتخاب شدن و انتخاب کردن می گذارد و نویسنده ی نامیرا فقط تصویرساز صادق این رویدادهاست. نویسنده ی کتاب را به سبک رمان های کلاسیک با شروعی آرام آغاز می کند، تصویرسازی می کند، شخصیت ها را یک به یک وارد داستان می کند، آن ها را معرفی می کند و با داستان پیش می برد. «نامیرا» اسیر اختلاف روایت های تاریخی نشده و البته از عقبه ی تحقیقی درستی بهره برده است.

این اثر درباره دختر و پسری جوانی است که بین سرداران بزرگ برای حمایت از امام حسین (ع) و یزید تردید دارند؛ در ادامه داستان، این دو جوان طی استدلال های مختلف به حقانیت امام حسین (ع) پی می برند.





نام کتاب: «من، شال سبز، بابا»
شاعر: نعیمه آقانوری
تصویر گر: جعفر بهروان
انتشارات: آستان قدس رضوی
مناسب برای گروه سنی: ۵ تا ۱۰ سال

این کتاب با زبان شعر کودکانه، خلاصه‌ای از مقاومت و مبارزه شیعه از صدر اسلام تا کنون را در قالب ماجرای خیال پردازی فرزند یکی از شهدای مدافع حرم بیان می‌کند.

از جمله موضوعات پرداخته شده در کتاب می‌توان به شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، واقعه عاشورا، دفاع مقدس و مدافعان حرم اشاره کرد.

تصویرسازی زیبا و شعر روان از ویژگی‌های بارز این اثر می‌باشد. وجود سربند پارچه‌ای تعبیه شده در جلد کتاب که قابلیت استفاده مجزا برای کودک دارد بر جذابیت این کتاب افزوده است.

همچنین متن کتاب توسط مهدی زاده اکبر فرزند شهید مدافع حرم، علی زاده اکبر خوانده شده است که امکان دریافت فایل صوتی آن نیز برای علاقه مندان وجود دارد.





نام کتاب: آذرخش کربلا
نویسنده: محمد تقی مصباح یزدی
انتشارات: موسسه آموزش پژوهش امام خمینی
تعداد صفحات: ۲۸۸
سال چاپ: ۷۹

کتاب آذرخش کربلا مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله مصباح یزدی است در ایام محرم سال‌های اخیر در ده فصل تنظیم شده است. این کتاب از موضوعات متنوعی در باب عاشورا تشکیل شده است.

موضوعاتی همچون: پاسخ به شبهات عاشورا، اهمیت بزرگداشت عاشورا، پشینه تاریخی و ریشه‌یابی این واقعه، اهداف قیام عاشورا و درنهایت درس‌هایی از نهضت عاشورا

مطالعه این کتاب را به همه اساتید، دانشجویان، طلاب و همه اهل تحقیق توصیه می‌کنیم.

گفتنی است این کتاب تاکنون ده نوبت چاپ شده، و به همت مؤسسه فرهنگی نور به زبان ترکی آذری ترجمه و در سال ۲۰۰۳ در ۲۸۸ صفحه و با شمارگان ۶۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر شده است.

هم‌چنین این اثر با عنوان «بارقه من سماء کربلا» توسط حجت الاسلام والمسلمین محمد عبدالمنعم الخاقانی به زبان عربی ترجمه و توسط انتشارات دارالتعارف للمطبوعات بیروت منتشر شده است.

آذرخش کربلا

آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی





نام کتاب: رساله در حکمت شهادت سیدالشهدا
نویسنده: علامه محمدباقر مجلسی
تصحیح و تحقیق: اکبر جدی، رضا مختاری

علامه محمدباقر مجلسی این رساله‌ی موجز را به زبان فارسی نگاشته و در آن بطور موجز از حکمت حرکت سیدالشهدا و شهادت ایشان سخن گفته است. استشهاد مکرر به روایات و استفادات خاص ایشان از این روایات از نکاتی است که خواننده را با کلیت نحوه پژوهش علمی علامه مجلسی می‌تواند آشنا کند.

این رساله برای آشنایی مختصر و مستند با حرکت و مقام سیدالشهداء، از جمله بهترین آثار است که تاکنون نوشته شده است.



نام کتاب: **پس از بیست سال**
نویسنده: **سلمان کدیور**
انتشارات: **شهرستان ادب**
تعداد صفحه: **۷۵۲**
تاریخ نشر: **۱۳۹۷**

کتاب «پس از بیست سال» رمان تاریخی مذهبی با محوریت جریانات به خلافت رسیدن امام علی (ع) تا قیام عاشورا است. اتفاقات جنگ صفین، اشاره به یاران امام علی (ع) از جمله ابوذر و در کنار این مستندات تاریخی، تاروپودی از ماجرای عاشقانه روایت داستان را دلپذیرتر می‌سازد.





نام کتاب: بانوی کربلا حضرت زینب علیها السلام

نویسنده: عایشه بنت الشاطی

مترجم: سید رضا صدر

ناشر: بوستان کتاب قم، ویرایش دوم

سال نشر: ۱۳۹۰

تعداد صفحات: ۱۷۶

این کتاب گزارشی است داستان گونه از زندگی پر فراز و نشیب و عبرت آموز حضرت زینب کبرا سلام الله علیها. کتاب را یکی از نویسندگان زبردست عرب، بانویی مصری و از اهل سنت، با عباراتی شیرین و سبکی زیبا و دل پذیر نگاشته و از سوی دانشمندی صاحب قلم و اهل اندیشه و نظر، سید رضا صدر، به فارسی برگردانده شده است.

طبق اظهار خود نویسنده کتاب از جرقه‌ای پدید آمده که پدر وی هنگام سخن گفتن از زینب، در ذهن و دل او ایجاد کرده است. وی، اگر چه در این کتاب، اطلاعات نادرستی نیز، به دلیل کمبود اطلاعاتش ارائه کرده، اما توانسته است با قدرت بیان و قلم، چهره‌ای زیبا از زینب(س) ارائه دهد. خطاهای نویسنده و کاستی‌های نوشته، از سوی مترجم اصلاح و تکمیل شده و محقق نیز در استخراج منابع به کمال آن افزوده است.





نام کتاب: یک پسر و دو مادر

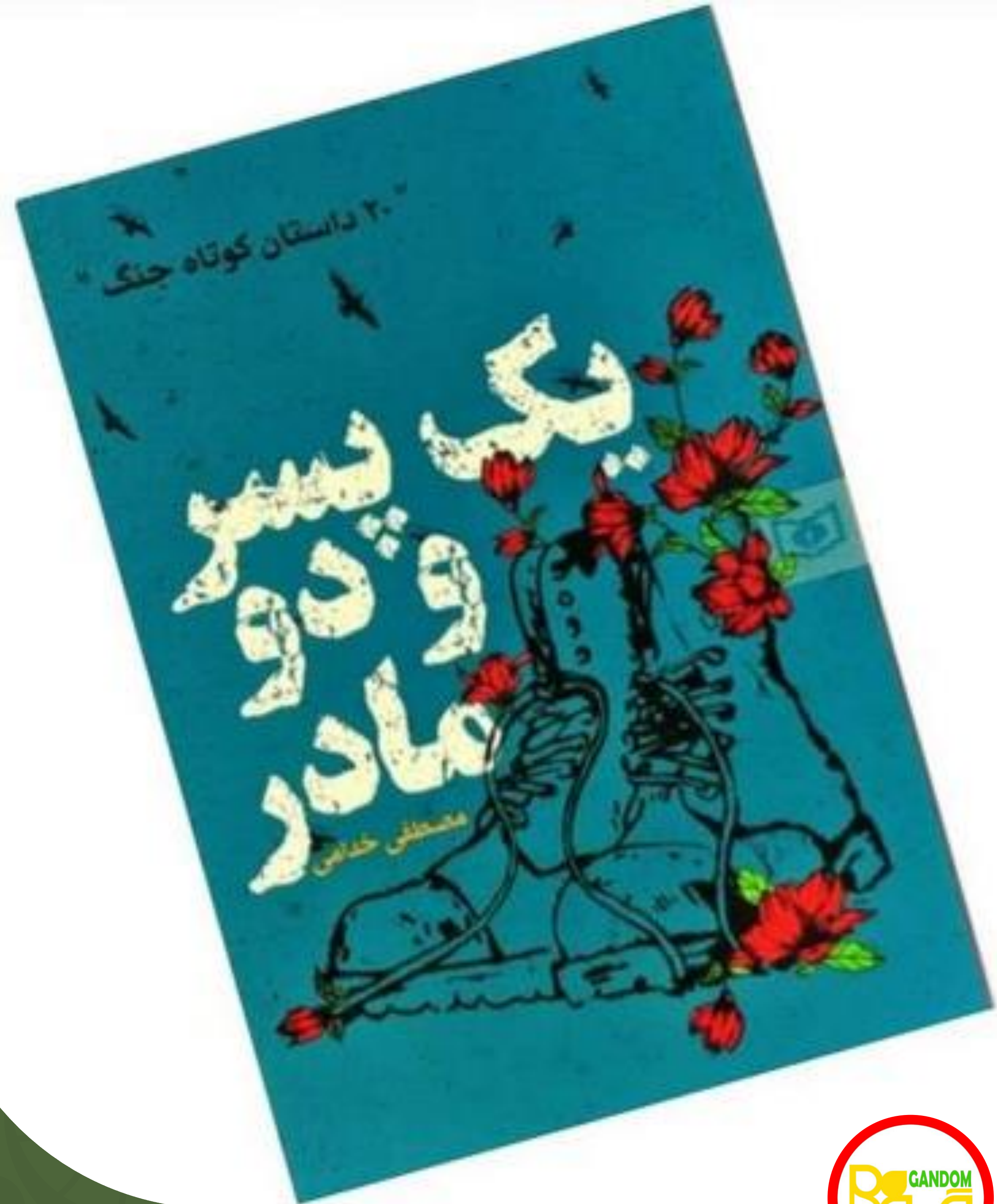
نویسنده: مصطفی خدای

انتشارات: قدیانی

تعداد صفحه: ۱۲۸

تاریخ نشر: ۱۳۹۹:

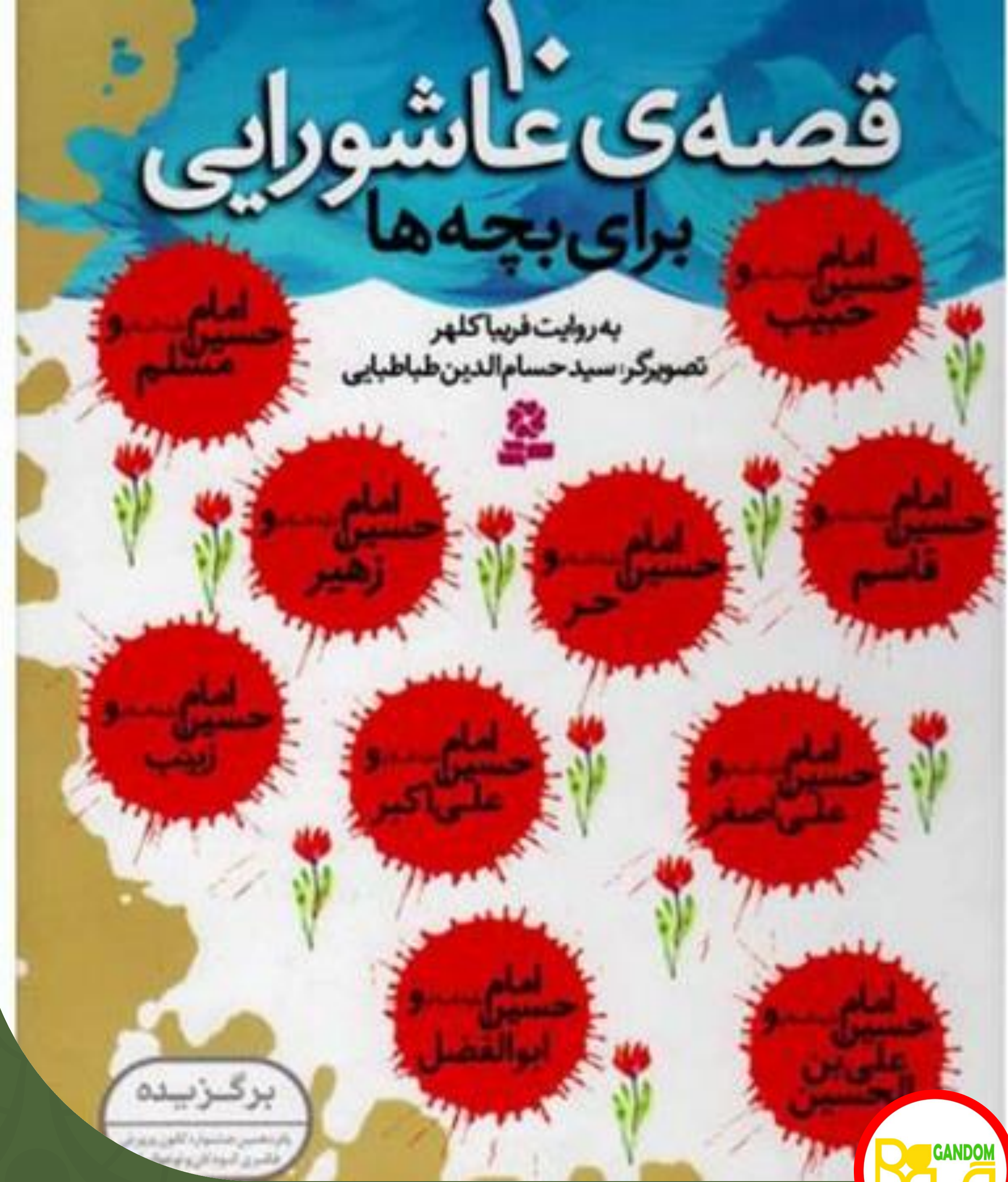
زمین گیر شده‌ایم. خمپاره‌ها زوزه کشان امانمان را بریده‌اند. تانک‌ها جلو می‌آیند. تعدادشان از شمردن گذشته است. آر.پی.یجی‌زن‌ها یکی پس از دیگری به زمین می‌افتند دشمن کاملاً ما را محاصره کرده است. از بی‌سیمچی فقط تکه‌های گوشت بر زمین مانده. دیگرگرایی وجود ندارد. به هر قیمتی شده باید خط را حفظ کنیم. بچه‌ها یک شبانه‌روز است که نخوابیدند. آن‌قدر سروصورتشان خاکی شده که بزور همدیگر را می‌شناسیم. مجروح‌ها بر زمین جا مانده‌اند و فرصت انتقال آنها را به عقب نداریم. سربازان دشمن پشت تانک‌هایشان پناه گرفته‌اند و رو به جلو در حال پیشروی هستند و یکسره شلیک می‌کنند. گلوله‌هایشان تمامی ندارد. دود و آتش به حدی است که چشم، چشم را نمی‌بیند...





نام کتاب: ۱۰ قصه عاشورایی
نویسنده: فریبا کلهر
تصویرگر: سید حسام الدین طباطبائی
انتشارات: قدیانی

۱۰ قصه عاشورایی مجموعه ده جلدی کتاب کودک با موضوع تعدادی از شخصیت های حاضر در کربلاست. کتاب قنداقه سرخ، از مجموعه ی ده جلدی کتاب ۱۰ قصه عاشورایی است که به زبانی شیوا و کودکانه به شرح ماجرای امام حسین علیه السلام و کودک خردسال ایشان حضرت علی اصغر پرداخته است. نویسنده به خوبی توانسته آن را با کلامی ادبی و زیبا و روان به قلم تحریر درآورد و در گروه فرهنگی هنری گندم توسط دختر خردسال شیرین زیان «عسل آلبوغیش» بصورت صوتی تصویری خوانده شده است.



معرفی بازی

نام بازی: کودکان اربعین

استودیو «مهاده» با انتشار نسخه دوم بازی «کودکان اربعین» را عرضه می‌کند.

بازی موبایلی خاطره انگیز **#کودکان_اربعین** را برای کودکان نصب کنید و با کاروان کودکان اربعین به یاد حاج قاسم، در مسیر پیاده روی اربعین همراه شوید.

ضمناً با شرکت در پویش **#موکب_کودکان_اربعین** و با ارسال عکس و فیلم از موکبی که در خانه هایتان برپا کردید از جوایز ویژه متبرک حرم های امام حسین (ع) و امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) بهره‌مند شوید.



این شماره از نشریه گندم را در
@gandomteam یا gandomteam.ir
مشاهده فرمایید

نقد و بررسی فیلم روز واقعه

کارگردان: شهرام اسدی

فیلمنامه: بهرام بیضایی

موسیقی: مجید انتظامی

برگزیده هیات داوران جشنواره فیلم فجر ۱۳۷۳

تهیه و تنظیم متن پیش رو:

کیمیا اسماعیلی و زهرا رضاعلی



مدیر مسئول و سردبیر:

دکتر محسن حبیبی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

اسامی همکاران این شماره

ریحانه شهریاری

رامین علیاری

ریحانه همتی پور

مریم سادات بنی هاشمی

روح الله مهری

سیده فاطمه شفیعی

زهرا رضیان

فاطمه فرح آبادی

هادی رسولی نژاد

زهرا رمضانعلی

کیمیا اسماعیلی

فاطمه کریمی مزیدی

علی عزیزاده

یاسمن علی آباد

فاطمه اسدی

مصطفی امین پور

فاطمه کمالیان

فاطمه فدایی

نگین سعیدی

نشریه دکندم، با مجوز از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه علامه طباطبائی

• به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱



واحد علامه طباطبائی



دانشگاه علامه طباطبائی



کانون فرسنگی، هنری «دکندم»

با مجوز از جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

شماره ۱۹۹/۱۱/۳۱۴ ص، مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۱